اختصاصی خراسان

قصه تعمیرکاران طماع، به اجرای حکم قصاص رسید

جنایت در سراب ثروت!

سجاد پور- سپیده دم روز گذشته حکم قصاص نفس تعمیرکار ۴۰ ساله‌ای در زندان مرکزی مشهد اجرا شد که حدود سه سال قبل با همدستی دو جوان دیگر، مالک تعمیرگاه اجاره‌ای خود را به قتل رساندند و جسد او را زیر یک پل به آتش کشیدند.

■ **آغاز ماجرا**

نقشه پلید این بود که ماشاءا... را با غذای آلوده به قتل برسانند تا هیچ اثری از خود به جا نگذارند، چرا که آن‌ها می دانستند مالک تعمیرگاه‌های اجاره‌ای، اتاقکی در طبقه دوم بالای مغازه‌ها دارد و بیشتر اوقات برای استراحت به آن اتاق می‌رود. این بود که درون ظرف شله، قرص کشنده‌ای را انداختند تا او با مصرف غذای آلوده، بر اثر مسمومیت جان بسپارد اما ماشاءا... که بوی نامطبوعی را از درون ظرف شله احساس کرده بود، آن را نخورد و بدین ترتیب تیر سه جوان طماع به سنگ خورد!

■ **جنایت با گاز شهری**

گزارش اختصاصی خراسان حاکی است، باوجود این، شعله‌های تصاحب ثروت مردمیان سال مدتی بود که آرام و قرار نداشت. افکار شیطانی تصاحب ثروت مالک تعمیرگاه لحظه‌ای رهایش نمی‌کرد. هربار که مرد ۶۰ ساله را سوار بر خودرو می‌دید که برای سرکشی از مغازه‌های اجاره‌ای اش به بولوار توس می‌آمد، آهی حسرت‌آمیز از نهادش برمی‌خاست! تصمیم گرفته بود هر طور شده، املاک ماشاءا... را صاحب شود به همین دلیل نقشه پلید خود را با جوان صافکاری در میان گذاشت که او نیز مستاجر مرد ۶۰ ساله بود. رسیدن به ثروتی بادآورده، همه رویای دو جوان مکانیک و صافکار شده بود. آنان که در خیال و آرزوهای خود فرو رفته بودند به ناچار نقشه شیطانی خود را با شاگرد ۱۹ ساله مکانیک هم مطرح کردند تا او را نیز با خود همراه کنند. «سعید» که به تازگی وارد دانشگاه شده بود تا با تحصیل آینده خود را بسازد از شهرستان به مشهد آمده بود و برای گذران زندگی در مکانیکی نیز کار می‌کرد. به گزارش اختصاصی خراسان، بالاخره سه جوان تعمیرکار دور هم نشستند و به نقشه وحشتناک مکانیک گوش کردند.

■ **قتل با غذای آلوده**

نقشه پلید این بود که ماشاءا... را با غذای آلوده به قتل برسانند تا هیچ اثری از خود به جا نگذارند، چرا که آن‌ها می دانستند مالک تعمیرگاه‌های اجاره‌ای، اتاقکی در طبقه دوم بالای مغازه‌ها دارد و بیشتر اوقات برای استراحت به آن اتاق می‌رود. این بود که درون ظرف شله، قرص کشنده‌ای را انداختند تا او با مصرف غذای آلوده، بر اثر مسمومیت جان بسپارد اما ماشاءا... که بوی نامطبوعی را از درون ظرف شله احساس کرده بود، آن را نخورد و بدین ترتیب تیر سه جوان طماع به سنگ خورد!

■ **جنایت با گاز شهری**

گزارش اختصاصی خراسان حاکی است، باوجود این، شعله‌های تصاحب ثروت مردمیان سال مدتی بود که آرام و قرار نداشت. افکار شیطانی تصاحب ثروت مالک تعمیرگاه لحظه‌ای رهایش نمی‌کرد. هربار که مرد ۶۰ ساله را سوار بر خودرو می‌دید که برای سرکشی از مغازه‌های اجاره‌ای اش به بولوار توس می‌آمد، آهی حسرت‌آمیز از نهادش برمی‌خاست! تصمیم گرفته بود هر طور شده، املاک ماشاءا... را صاحب شود به همین دلیل نقشه پلید خود را با جوان صافکاری در میان گذاشت که او نیز مستاجر مرد ۶۰ ساله بود. رسیدن به ثروتی بادآورده، همه رویای دو جوان مکانیک و صافکار شده بود. آنان که در خیال و آرزوهای خود فرو رفته بودند به ناچار نقشه شیطانی خود را با شاگرد ۱۹ ساله مکانیک هم مطرح کردند تا او را نیز با خود همراه کنند. «سعید» که به تازگی وارد دانشگاه شده بود تا با تحصیل آینده خود را بسازد از شهرستان به مشهد آمده بود و برای گذران زندگی در مکانیکی نیز کار می‌کرد. به گزارش اختصاصی خراسان، بالاخره سه جوان تعمیرکار دور هم نشستند و به نقشه وحشتناک مکانیک گوش کردند.

■ **قتل با نقشه ماساژ**

بنابر گزارش خراسان، تعمیرکاران جوان که دیگر از این شرایط عصبانی شده بودند، بلافاصله نقشه هولناک دیگری را طرح کردند و با اشاره مرد مکانیک در همان جا هم این نقشه وحشتناک را به اجرا درآوردند. مرد ۶۰ ساله که به مستاجران مغازه‌هایش اعتماد کامل داشت و تصور نمی‌کرد آن‌ها جوانمردانه کمر به قتل او بسته‌اند تا ملک و املاک و خودرواش را تصاحب کنند، دوباره با آن‌ها وارد گفت‌وگو شد و ماجرای درد استخوان هایش را تعریف کرد. مرد مکانیک که منتظر همین جمله بود، به صافکار ۳۷ ساله اشاره کرد و از او خواست تا کمی پیکر او را ماساژ بدهد. عبدا... هم بی‌درنگ از ماشاءا... خواست دراز بکشد و این گونه ناگهان دستانش را دور گردن مرد ۶۰ ساله حلقه زد و با فشار زیاد او را در حالی خفه کرد که مرد مکانیک و شاگردش نیز منتظر لحظه مرگ ماندند. وقتی دست و پای مالک مغازه‌ها شل شد و او دیگر نتوانست حرکتی بکند، مرد مکانیک همچنان در وجود آنان زبانه می‌کشید تا این که مرد مکانیک نقشه دیگری طرح کرد و هر سه نفر آماده اجرای آن شدند. بهمن سال ۹۷ بود که آن‌ها دوباره وارد اتاقک مرد ۶۰ ساله شدند و با او به گفت‌وگو نشستند. در این میان به طور مخفیانه تعدادی قرص خواب‌آور را درون چای و خوراک عدسی ریختند و با اصرار دوستانه به ماشاءا... تعارف کردند. وقتی مرد ۶۰ ساله نزد آن‌ها از اوضاع مالی خویش سخن می‌گفت با مصرف عدسی و چای حالت گیجی به خود گرفت و پلک هایش روی هم افتاد. تعمیرکاران نگاهی به یکدیگر انداختند و در حالی به آرامی از اتاق طبقه دوم بیرون آمدند که شیر گاز شهری را هم باز کردند تا ماشاءا... با استشمام گاز شهری و حالت خواب‌آلودگی، جان خود را از دست بدهد. آن‌ها که از اجرای این نقشه شوم بسیار خوشحال بودند، منتظر روز بعد ماندند تا خبر مرگ صاحب مغازه‌ها را بشنوند اما روز بعد هم انتظار بی‌فایده‌ای را کشیدند. به همین دلیل هر سه نفر دوباره به طبقه دوم رفتند تا از مرگ او مطمئن شوند ولی در میان بهت و حیرت دیدند که مرد ۶۰ ساله زنده است و با خروج گاز شهری از روزنه‌های اتاق، هیچ حادثه‌ای رخ نداده بود و...

عکس: خراسان

تصویر متهمان پرونده بعد از دستگیری

از راست به چپ: شاگرد مکانیک - مکانیک - صافکار

■ **قتل با نقشه ماساژ**

بنابر گزارش خراسان، تعمیرکاران جوان که دیگر از این شرایط عصبانی شده بودند، بلافاصله نقشه هولناک دیگری را طرح کردند و با اشاره مرد مکانیک در همان جا هم این نقشه وحشتناک را به اجرا درآوردند. مرد ۶۰ ساله که به مستاجران مغازه‌هایش اعتماد کامل داشت و تصور نمی‌کرد آن‌ها جوانمردانه کمر به قتل او بسته‌اند تا ملک و املاک و خودرواش را تصاحب کنند، دوباره با آن‌ها وارد گفت‌وگو شد و ماجرای درد استخوان هایش را تعریف کرد. مرد مکانیک که منتظر همین جمله بود، به صافکار ۳۷ ساله اشاره کرد و از او خواست تا کمی پیکر او را ماساژ بدهد. عبدا... هم بی‌درنگ از ماشاءا... خواست دراز بکشد و این گونه ناگهان دستانش را دور گردن مرد ۶۰ ساله حلقه زد و با فشار زیاد او را در حالی خفه کرد که مرد مکانیک و شاگردش نیز منتظر لحظه مرگ ماندند. وقتی دست و پای مالک مغازه‌ها شل شد و او دیگر نتوانست حرکتی بکند، مرد مکانیک ساعت یک بامداد هجدهم بهمن بود که آن‌ها پیکر بی‌جان مرد ۶۰ ساله را درون خودروی پژو ۴۰۵ متعلق به مقتول انداختند و به طرف بزرگراه آسیایی به راه افتادند ولی مکان مناسبی را برای از بین بردن جسد پیدا نمی‌کردند چرا که می‌ترسیدند در فاصله نزدیک مشهد اثری از خود به جا بگذارند. بدین ترتیب آن‌ها تا فاصله حدود ۷ کیلومتری بعد از چناران رفتند تا به نقطه‌ای در زیر یک پل حاشیه جاده رسیدند. تعمیرکاران طماع که آن مکان را مناسب می‌دیدند با ریختن بنزین روی جسد، آن را به طور کامل آتش زدند و برای اجرای ادامه نقشه فروش اموال و املاک به مشهد بازگشتند.

■ **در جست‌وجوی مرد گم‌شده**

گزارش خراسان حاکی است، از سوی دیگر خانواده ماشاءا... که بعد از مراجعه نکردن او به منزل نگران شده بودند، به هر جایی رفتند و با خیلی از افراد تماس گرفتند اما هیچ اثری از پدر خانواده نبود تا این که سه روز بعد، فرزند ۳۰ ساله ماشاءا... با مراجعه به پلیس آگاهی خراسان رضوی، از آنان برای یافتن پدر گم‌شده‌اش کمک خواست. او در میان اظهارات به کارآگاهان اداره جنایی آگاهی گفت: پدرش گاهی برای استراحت و سرکشی به مغازه‌هایی می‌رود که به تعمیرکاران در بولوار توس اجاره داده است.

■ **دستگیری عاملان جنایت**

به گزارش اختصاصی خراسان، این گونه بود که گروه ورزیده‌ای از کارآگاهان با هدایت و نظارت مستقیم سرهنگ محمدرضا غلامی ثانی (رئیس وقت اداره جنایی آگاهی خراسان رضوی) وارد عمل شدند و با کسب دستوراتی از قاضی احمدی نژاد (قاضی ویژه قتل عمد در زمان حادثه) به تحقیق در این باره پرداختند. بررسی های آنان نشان می‌داد تعمیرکاران جوان نیز که مغازه‌ها را از ماشاءا... اجاره کرده بودند از روز گم شدن پیرمرد در محل دیده نشده‌اند و تعمیرگاه‌های آنان هم بسته بود. همین موضوع ظن کارآگاهان را برانگیخت و ردیابی های اطلاعاتی آغاز شد. بررسی ها بیانگر آن بود که صافکار ۳۷ ساله با همسرش اختلاف دارد و در تعمیرگاه می‌خوابد ولی آن جا بسته بود. بنابراین کارآگاهان با دستور قضایی وارد صافکاری شدند و عبدا... را در حالی دستگیر کردند که از چند روز قبل داخل تعمیرگاه مخفی شده بود اما وی در بازجویی ها ادعا کرد، چند شب قبل ماشاءا... حدود ساعت ۲۳ از اتاق خودش بیرون آمد و دیگر از او اطلاعی ندارد. با وجود این، کارآگاهان که دیگر یقین داشتند جنایتی مرموز رخ داده است، در یک عملیات غافلگیرانه جوان ۱۹ ساله دانشجو نیز در یک قرار صوری به دام انداختند.

■ **اعتراف به قتل**

او که شاگرد مکانیک بود، در همان بازجویی های اولیه به قتل مرد ۶۰ ساله توسط صافکار و با نقشه های شیطانی استاد کارش (جوان مکانیک) اعتراف کرد. گزارش اختصاصی خراسان حاکی است، در پی اعترافات صریح سعید، بلافاصله کارآگاهان به ردزنی جوان مکانیک پرداختند و او را نیز در عملیاتی ضربتی و هماهنگ دستگیر کردند. حالا دیگر عبدا... که در تنگنای سوالات تخصصی دست و پا می‌زد، به ناچار لب به اعتراف گشود و ماجرای سراب تصاحب ثروت را فاش کرد. او گفت: با نقشه‌های جوان مکانیک من هم با او همراه شدم و به بهانه ماساژ پهلوها و پشت ماشاءا... گلویش را آن قدر فشار دادم که جان سپرد.

■ **صدور حکم اعدام و زندان**

بنابر گزارش خراسان، پس از تکمیل تحقیقات و بازسازی صحنه جنایت در دادسرای عمومی و انقلاب مشهد، این پرونده جنایی به شعبه پنجم دادگاه کیفری یک خراسان رضوی ارسال شد و قضات با تجربه دادگاه پس از برگزاری چندین جلسه محاکمه و بررسی همه جوانب این جنایت تکان‌دهنده، رأی خود را صادر کردند.

بنابر حکم دادگاه، «سعید» جوان ۱۹ ساله به جرم معاونت در ارتکاب قتل به تحمل ۱۵ سال زندان، مرد مکانیک که طراح اصلی نقشه قتل بود به تحمل ۲۵ سال زندان و عبدا... نیز به جرم ارتکاب قتل به قصاص نفس و به خاطر سرقت به تحمل زندان و شلاق محکوم شد. همچنین آن‌ها به اتهام شروع به قتل در نقشه‌های قبلی نیز به تحمل زندان‌های طولانی مدت محکوم شدند که رای مذکور در شعبه ۳۹ دیوان عالی کشور مهر تایید خورد.

■ **اجرای حکم قصاص نفس**

به گزارش خراسان، با قطعی شدن رای دادگاه، پرونده «جنایت در سراب ثروت» به معاونت اجرای احکام دادسرای عمومی و انقلاب مشهد ارسال شد و عبدا... منتظر اجرای حکم قصاص ماند. بالاخره سپیده دم روز گذشته با فراهم شدن مقدمات اجرای حکم و بررسی دقیق این پرونده، دستور اجرا، از سوی معاون دادستان مرکز خراسان رضوی صادر شد و بدین ترتیب صافکار جوان که حالا ۴۰ ساله بود با کوله باری از ندامت پای چوبه دار رفت و پس از طی تشریفات مذهبی و قانونی با نظارت قاضی با تجربه اجرای احکام به مجازات رسید تا فرجام این تعمیرکاران طماع، درس عبرت برای افرادی باشد که برای یک شبه پولدار شدن تحت تاثیر وسوسه‌های شیطانی قرار می‌گیرند و دست به جنایت می‌زنند.

در امتداد تاریکی

رسوایی در گروه همکلاسی ها

در گروه مجازی کلاس دانشگاه مشغول فعالیت بودم که ناگهان تصاویری بسیار زشت و زننده از من روی گوش های همکلاسی هایم نمایان شد. یک لحظه دچار شوک شدم و دست و پایم را گم کردم بعد از آن بود که... دختر ۲۰ ساله با بیان این که دیگر نمی خواهد طعمه ای برای هوسرانی باشد، درباره این حادثه تاسف بار و سرگذشت خود به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری میرزا کوچک خان مشهد گفت: پدرم با آن که یک کارگر ساده است اما هزینه های تحصیلم را می پرداخت. او هیچ گاه با مادرم رابطه خوبی نداشت و همواره با یکدیگر درگیر بودند. در همین حال بیماری کلیوی پدرم شدت گرفت و او زیر دستگاه های دیالیز رفت. در این شرایط اوضاع زندگی ما به هم ریخت و درگیری های پدر و مادرم شدیدتر شد چرا که پدرم برای تسکین دردهایش به مصرف تریاک روی آورده بود و مادرم به این درگیری ها دامن می زد. این اوضاع متشنج برای من بسیار آزار دهنده بود. روابط سرد آن‌ها زندگی من و دیگر اعضای خانواده را تحت تاثیر قرار داد. دیگر کسی به نیازهای عاطفی من توجهی نداشت به گونه ای که نه تنها احساس تنهایی می کردم بلکه از کمبود محبت رنج می بردم به همین دلیل خودم را در فضاهای مجازی سرگرم می کردم تا این که روزی هنگام وبگردی در اینستاگرام پست پسر جوانی را لایک کردم. آن پسر به من پیام داد و تلاش کرد با من ارتباط برقرار کند. ابتدا موضوع را جدی نگرفتم اما ابراز علاقه و جملات زیبایش مرا به سوی او کشاند چرا که کمبود عاطفه چند ساله را در کلمات عاشقانه او جست‌وجو می کردم. بالاخره ارتباط تصویری من و «کوروش» آغاز شد. او که در کلاله زندگی می کرد مدعی بود قصد دارد با من ازدواج کند، به همین دلیل تقاضا می کرد تا مقابل گوشی تلفن با پوشش راحت تری قرار بگیرم. من هم غافل از این که چه بلایی در آینده بر سرم خواهد آمد به خواسته هایش عمل می کردم. چند ماه بعد او خواهرش را به خانه ما فرستاد تا مرا خواستگاری کند، اما پدرم به خاطر دوری مسافت با ازدواجم مخالفت کرد. چند روز بیشتر از این ماجرا نگذشته بود که کوروش از من خواست برای یک ملاقات حضوری به هتلی بروم که اتاقی را در آن جا اجاره کرده بود. من از ترس پدرم قبول نکردم اما او دست بردار نبود و تهدیدم کرد تصاویری را که از من ضبط کرده است برای پدرم می فرستد. به ناچار پیشنهادش را پذیرفتم و به محل اقامت او رفتم. در یک لحظه کوروش در اتاق را قفل کرد و با تهدید چاقو مرا تحت فشار گذاشت تا به خواسته پلیدش تن بدهم. او حتی از این صحنه های زننده فیلم گرفت و سپس قرصی را به من خوراند که دیگر چیزی نفهمیدم. وقتی بیدار شدم خودم را تنها دیدم. از شدت اضطراب و نگرانی وضعیت روحی بدی داشتم. اشک‌ریزان به خانه رفتم و از این ماجرا به هیچ کس چیزی نگفتم تا این که چند روز بعد هنگامی که در گروه کلاسی فضای مجازی مشغول فعالیت بودم، در کمال ناباوری تصاویر زشت و زننده ای از خودم دیدم که کوروش در گروه کلاس بارگذاری کرده بود. شوکه شده بودم و نمی دانستم چه کنم. همه دوستان و همکلاسی هایم آن عکس های زننده را دیده بودند، اگر چه کوروش بلافاصله آن ها را حذف کرد اما طولی نکشید که سیل تلفن ها به سوی من سرازیر شد. آبرویم رفته بود و نمی دانستم چه توضیحی به دوستانم بدهم. دیگر حتی روی بازگشت به دانشگاه و روبه رو شدن با همکلاسی هایم را نداشتم. از نظر روحی کاملا به هم ریخته بودم چرا که آینده ام نیز نابود شده بود. بعد از این ماجرا کوروش دوباره با من تماس گرفت و باز هم با تهدید به افشاگری های بیشتر مرا به هتل ها و مسافرخانه ها کشاند. او در حالی با ناجوانمردی مرا هدف تعرض قرار می داد که مدعی بود از همان آغاز ارتباط در فضای مجازی هیچ گاه قصد نداشته با من ازدواج کند و همه این ها نقشه ای برای رسیدن به نیات شیطانی اش بوده است. حالا دیگر احساس گناه رهایم نمی کند و در حالی که زندگی و آینده ام تباه شده است تصمیم گرفتم به پلیس مراجعه کنم و از آن‌ها یاری بخواهم چرا که... گزارش خراسان حاکی است، در پی شکایت این دختر جوان با صدور دستوری از سوی سرهنگ عبدی (رئیس کلانتری میرزا کوچک‌خان) رسیدگی به این پرونده به گروه ورزیده‌ای از نیروهای انتظامی سپرده شد و دختر جوان نیز تحت مشاوره‌های روان شناختی قرار گرفت.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

قاب

خراسان/ سرگرد جعفر عامری (رئیس کلانتری سپاد مشهد) کیف حاوی میلیاردها تومان اسناد و اوراق بهادار را که از صندوق عقب خودروی یک شهروند سرقت شده بود، هنگام گشت‌زنی به همراه جانشین کلانتری در بیابان های اطراف روستای اسماعیل آباد پیدا کرد و به صاحب آن بازگرداند.

کوتاه از حوادث

***ایسنا/** صبح دیروز واژگونی مینی بوس در محور اسلام‌آباد به حمیل ۱۲ مصدوم به جا گذاشت.

***میزان/** قاسم دستخال رئیس پایگاه سوم پلیس آگاهی تهران بزرگ از دستگیری سارق موبایل قاپ و کشف ۳۰ فقره سرقت به ارزش تقریبی ۲۰۰ میلیون تومان خبر داد.

***ایسنا/** سرهنگ معظمی رئیس پلیس فتای تهران بزرگ از متلاشی شدن باند فروش داروهای تقلبی درمان کرونا در فضای مجازی خبر داد.

***فارس/** سردار رحیمی فرمانده انتظامی پایتخت از مقابله جدی با سارقان و مالخران خبر داد و گفت: با تلاش های انجام شده طی امسال در کشف جرم و دستگیری سارقان وضعیت بهتری داشته‌ایم.

***ایرنا/** سرهنگ پاشایی معاون اجتماعی پلیس فتای نیروی انتظامی ضمن هشدار در خصوص کلاهبرداری با عنوان «دریافت سهمیه سوخت جبرانی» خبر داد و گفت: اقدامات انتظامی و قضایی علیه مرتکبان در حال پیگیری است.

***ایسنا/** در پی انهدام چند شرکت هرمی در برخی استان های کشور، سرهنگ امینی رئیس اداره اجتماعی پلیس آگاهی ناجا درباره ترفندهای متقلبانه این گونه شرکت‌ها هشدار داد و گفت: فعالیت شرکت‌های هرمی طبق قانون ممنوع است.

***فارس/** سرهنگ دوستعلی جلیلیان فرمانده انتظامی شهرستان ری از دستگیری هفت شروری خبر داد که با همدستی یکدیگر نظم عمومی محله بهشتی را برهم زده بودند.

توکلی/ سرهنگ حسن عبدلی فرمانده انتظامی شهربابک از کشف ۱۵ دستگاه رمزارز دیجیتال از داخل یک واحد مرغداری در این شهرستان خبر داد.

***ایسنا/** شمار قربانیان حادثه ریزش برج مسکونی در نیجریه که سه شنبه گذشته شش نفر اعلام شده بود، دیروز به دست کم ۱۶ تن افزایش یافت و عملیات امداد و نجات برای یافتن دیگر حادثه دیدگان ادامه دارد.

***فارس/** رئیس پایگاه سوم پلیس آگاهی تهران بزرگ از دستگیری و متلاشی شدن باند سه نفره جعل اسکناس و کشف ۵۲ قطعه اسکناس تقلبی، خبر داد.

پیدا شدن دختر ۴ ساله ناپدید شده استرالیایی پس از ۱۸ روز

پلیس استرالیا بامداد دیروز چهارشنبه «کلئو»، دختربچه ۴ ساله ناپدید شده را در یک خانه پیدا کرد. این خبر موجی از شادی و آرامش را برای خانواده کلئو و افکار عمومی استرالیا در پی داشت. به گزارش یورونیوز به نقل از رسانه‌های محلی، پلیس در نخستین ساعات بامداد چهارشنبه و با حکم تفتیش یک منزل در شهر ساحلی کارناروون، پس از شکستن در ورودی، وارد محلی شدند که آدم‌ربا یا آدم‌ربایان کلئو را در آن حبس کرده بودند. کریس دائسون، رئیس کمیساریای پلیس این شهر در غرب استرالیا می‌گوید، چهار مامور پلیس در زمان تفتیش خانه در یکی از اتاق‌ها را باز کردند و با دختربچه روبه‌رو شدند. وقتی گفتند تو کی هستی؟ جواب داد: «اسم من کلئو است.»

به گفته پلیس یک مرد ۳۶ ساله که نامش افشا نشده به عنوان مظنون اصلی این آدم ربایی، بازداشت شده است.

پلیس «کلئو اسمیت» را به مادرش «امیل اسمیت» و همسرش «جک گلیدون» تحویل داده است. پلیس استرالیا هفته پیش جایزه‌ای یک میلیون دلاری برای یافتن این دختربچه تعیین کرد. معلوم نیست آیا این پاداش نقدی، نقشی در دادن اطلاعات به پلیس داشته یا نه. کلئو ۱۶ اکتبر و در حالی که با خانواده‌اش برای طبیعت گردی در یک چادر اتراق کرده بود، ناپدید شد. کلئو و خواهرش جدا از پدر و مادر در یک چادر مجزا خوابیده بودند. مادر کلئو مطمئن بود که دخترش به تنهایی نمی‌توانسته در چادر را باز کند و خارج شود. پلیس هم بعدا اعلام کرد زیپ چادر بیش از آن اندازه که قد کلئو برسد، باز شده بود. پلیس پس از گزارش ناپدید شدن این دختربچه و در نخستین بررسی‌ها با مشاهده کنده شدن زیپ چادر، با اطمینان اعلام کردند ماجرا یک آدم‌ربایی است. همچنین به گزارش بی بی سی، گروهی متشکل از ۱۰۰ پلیس عملیات هوایی و زمینی جست‌وجو برای یافتن کلئو را به عهده داشتند. مقام‌های استرالیا برای گرفتن هر نوع اطلاعاتی از محل نگهداری کلئو یک میلیون دلار کانادا (۷۵۰ هزار دلار آمریکا) جایزه تعیین کرده بودند. گزارش شده که شمار زیادی به این منطقه آمده بودند که ردپایی از کلئو پیدا کنند و جایزه بگیرند. شبکه خبری ای‌بی‌سی گزارش داده مردی که در خانه زندگی می‌کرده، مشغول خریدن پوشک بچه دیده شده است. یکی از همسایه‌ها متوجه این موضوع شده است. آن همسایه به این موضوع مشکوک شده که مرد خانه کناری چرا باید پوشک بخرد. مردم محلی از پیدا شدن کلئو اسمیت بسیار خوشحال هستند و از نگرانی خلاص شده‌اند. تمام پرونده‌های مفقود شدن کودکان که در جهان مشهور هستند، به پایان خوش نرسیده‌اند.

مادلین مک کن که ۱۴ سال پیش در سفری تفریحی به پرتغال مفقود شد، همچنان ناپدید است. او اگر زنده باشد، اکنون ۱۷ ساله است.

باند ۵ نفره سرقت به عنف متلاشی شد

رئیس پایگاه پنجم پلیس آگاهی تهران از دستگیری اعضا و متلاشی شدن باند پنج نفره سرقت به عنف از مسافران با عنوان راننده، خبر داد.

به گزارش میزان، کیانوش ناصری افزود: به دنبال افزایش وقوع سرقت به عنف در مناطق غرب تهران با عنوان راننده، موضوع در قرارگاه فرعی سرقت در پلیس آگاهی در دست پیگیری قرار گرفت و کارآگاهان با استفاده از شیوه‌های نوین، علمی و پلیسی موفق شدند یکی از متهمان را که سارقی حرفه‌ای به نام «سعید» بود، شناسایی کنند. وی ادامه داد: با کشف آدرس محل اختفای وی و کنترل آن، ماموران پلیس توانستند در یک عملیات ضربتی علاوه بر سعید، چهار همدست دیگر وی به نام‌های «رسول»، «امید»، «اسماعیل» و «فرید» را نیز دستگیر کنند و در بازرسی از محل اختفای آنان، تعدادی چاقو، قمه، شمشیر، دو عدد افشانه فلفلی و یک قبضه سلاح کلت کمری، کشف شد. رئیس پایگاه پنجم پلیس آگاهی تهران بزرگ اظهار کرد: متهمان اعتراف کردند که در حوالی شهریار با خودروهای پلاک مخدوش خود اقدام به مسافرکشی می‌کردند که پس از طی مسافتی، دیگر سرنشین که همدست راننده بود با چاقو یا قمه و بقیه ادوات جرم به زورگیری از مسافران اقدام می‌کرد و پس از سرقت اموال، آنان را در مکانی خلوت رها می‌کردند و متواری می‌شدند.

وی افزود: «سعید» که خود را سرکرده باند معرفی کرد به کارآگاهان گفت، تاکنون ۱۵ فقره سرقت به عنف با عنوان راننده داشته و بیش از ۱۰۰ میلیون تومان از شهروندان، سرقت کرده‌اند. ناصری ادامه داد: با مواجهه حضوری متهمان با شاکیان و مال باختگان، ۱۱ نفر آنان متهمان را به طور صددرصد شناسایی کرده‌اند. متهمان پس از تکمیل پرونده، برای سیر مراحل قانونی به مرجع قضایی معرفی شدند.

۲ کشته و ۱۷ مصدوم در سانحه رانندگی در سقز

رئیس فوریت‌های پزشکی ۱۱۵ سقز از وقوع حادثه رانندگی در محدوده استحفاظی این شهرستان و کشته شدن دو نفر و مصدومیت ۱۷ نفر خبر داد. سیروان فتاحی در گفت‌وگو با مهر افزود: متأسفانه بامداد چهارشنبه در محدوده روستای «جنیان» سقز یک سانحه رانندگی اتفاق افتاد که به جان باختن دو نفر از هموطنان و مصدوم شدن ۱۷ نفر منجر شد. وی ادامه داد: در این سانحه یک دستگاه اتوبوس متعلق به خطوط اتوبوسرانی مسیر کرمانشاه-ارومیه با تریلی باری در محدوده روستای «جنیان» برخورد کرد که متأسفانه راننده اتوبوس در صحنه تصادف جان خود را از دست داد و یکی از سرنشینان نیز هنگام انتقال به بیمارستان جان باخت. فتاحی گفت: این سانحه علاوه بر دو کشته، ۱۷ مصدوم نیز داشت که وضع جسمانی سه نفر از مصدومان وخیم است. رئیس فوریت‌های پزشکی ۱۱۵ سقز افزود: علت وقوع این حادثه ناگوار توسط پلیس راه شهرستان سقز در دست بررسی است.